

دبیرخانه شورای اقامه نماز اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان فارس با همکاری
اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی و اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان ایزدگرد مزه کند:



ستاد اقامه نماز



نخستین جشنواره مجازی

اهمیت و فلسفه نماز در آیینه آیات قرآن

- زمان آزمون: ۲۵ بهمن ماه به صورت مجازی
- مدت زمان ثبت نام: ۲ الی ۲۴ بهمن ماه
- محوریت جشنواره: اهمیت نماز از دیدگاه قرآن
- PDF کتاب در سایت www.farhangawaz.blog.ir بارگذاری خواهد شد.
- جهت ثبت نام و کسب اطلاعات بیشتر از طریق شماره های زیر با ما در ارتباط باشید:

۰۹۱۷۴۵۳۲۰۹۴ - ۰۹۳۹۷۳۵۶۴۰۸

همراه با اهدای جوایز ارزنده به برندگان مسابقه



سازمان فرهنگ و ارشاد اسلامی
اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی

"نماز وادی راز و نیاز"

نخستین جشنواره مجازی

اهمیت و فلسف نماز در آئینه آیات قرآن

گردآورنده: سید محمد ماشی

تظنیم و تدوین: اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان اوز

به نام خداوند جان و خرد

کزین برتر اندیشه برنگذرد

در مورد نماز از دیرباز سخنان و کتاب های بسیاری گفته و نوشته شده و چه انسان های بزرگی که در این وادی بی انتها سیر نموده اند.

هر یک به گوشه هایی از این عبادت دیرین و همگانی پرداخته اند و به روشن نمودن بُعدی از ابعاد آن مبادرت نمودند.

اینک ما هم سعی خواهیم نمود به اندازه فهم و درک و اندک بضاعت علمی خود در این وادی سیر کنیم و مطالبی را در زمینه اهمیت نماز و فلسفه آن با توجه به آیات قرآن برای شما خوانندگان گرامی بنگاریم، باشد که برای شما مفید واقع گردد و همچنین مقبول درگاه حق تعالی قرار گیرد.

از خداوند می خواهیم که ما را در زمره آنانی قرار دهد که دائم در نماز باشیم.

سید محمد هاشمی

اول بهمن ۱۳۹۹

مفتم جمادی الثانی ۱۴۴۲

«نماز عبادتی ریشه دار»

واژه نماز ، واژه ای پارسی ناب است.

در زبان پهلوی، نماچ که از ریشه نم به معنی خم شدن و تهظیم کردن است، در زبتن اوستایی نماز به معنی دعا است و در هندی باستان نماس این واژه امروز اصطلاحاً بر مراسم عبادی پنجگانه نماز اطلاق می شود. 1

پاورقی

۱- محمد حسین خلف تبریزی، برهان قاطع، به اهتمام دکتر محمد معین

(تهران : امیرکبیر، ۱۳۵۷) ج ۴، صص ۲۱۶۷-۲۱۶۸

فردوسی در پادشاهی کیومرث که نخستین پادشاه و نیز نخستین انسان بود و
آیین تخت و کلاه را او به جهان آورد و دد و دام رام او بودند و سلطنتی
همچون سلیمان نبی داشت و:

دو تا می شدند بر تخت او

از آن بر شده فره وبخت او

برسم نماز آمدندیش پیش

از آن جایگه برگرفتند کیش

در داستان تهمورس فردوسی واژه نماز را به عنوان نیایش در درگاه خداوند
مطرح کرده است.

تهمورس وزیر پاک و نیک اندیشی دارد که:

همه روز بسته ز خوردن دو لب

به پیش جهاندار برپای شب

همان بر دل هر کسی بوده دوست

نماز شب و روزه آیین اوست

نماز بردن به مفهوم احترام نهادن و رسم بزرگی به جای آوردن بوده است
چنانکه رستم هر گاه به جمع ایرانیان وارد می شود، او را نماز می برند و:

چو نزدیک رستم فراز آمدند

پیاده به رستم نماز آمدند

که نماز به معنی درود و آفرین است.

در کتاب مقدس هم به نماز اشاره شده است:

«خدای خود را دوست بدارید و او را به تمامی دل و تمامی جان خود عبادت
نمایید. آنگاه باران زمین شما، یعنی باران اولین و آخرین را در موسمش خواهیم
بخشید.»^۲

پاورقی

۲- کتاب مقدس، عهد قدیم، سفر تثنیه، باب ۱۱، آیه ۱۳

و یوشع به قوم خود می گوید:

«خدای خود را محبت نموده، به تمامی طریق های او سلوک نمایند و امر او را نگاه داشته و به او ملحق شوید و او را به تمامی دل و تمامی جان خود عبادت نمایند.» ۳

پاورقی

۳- صحیفه یوشع باب ۲۲ آیه ۵

به عبارتی می توان گفت، یکی از عباداتی که در همه ادیان معمول بوده و وجود داشته « نماز » است.

در دین اسلام هم نماز یکی از واجبات است و وجوب آن از ضروریات دین اسلام و انکار آن موجب کفر و ارتداد است.

تقریباً صد آیه در قرآن راجع به نماز نازل شده ؛

چنان که پیامبر در حدیثی فرموده است:

«وعن جابرٍ قال:

سمعتُ رسولَ الله صلی الله علیه وسلم یقولُ:

إِنَّ بَيْنَ الرَّجُلِ وَبَيْنَ الشِّرْكِ وَالْكَفْرِ تَرْكُ الصَّلَاةِ *

(رواه مسلم)

از جابر روایت شده است که گفت:

از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمود:

«فاصله بین مرد و بین شرک و کفر، ترک نماز است»

و در سوره مدثر در جواب

«مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ»

چه چیز شما را به دوزخ وارد کرد؟

* «قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ» *

می گویند:

ما از نماز گزاران نبودیم.

لذا ترک نماز مستوجب عقوبت الهی است.

همانگونه که قبلاً گفتیم، عبادت نماز نه تنها در اسلام بلکه در ادیان قبل از

اسلام هم بوده و وجود داشته است!

در قرآن آمده است:

* «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ» *

پروردگارا! مرا بر پا دارنده نماز قرار ده، و نیز از فرزندانم { برپا دارندگان نماز

قرار ده}. و پروردگار! دعایم را بپذیر.

(ابراهیم/۴۰)

و در سوره طه خطاب به موسی آمده است:

* «إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» *

همانا! من خدایم که جز من معبودی نیست، پس مرا بپرست و نماز را برای یاد

من برپا دار.

(طه/۱۴)

و در سوره یونس آمده:

« وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّأَ لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً
وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ »*

و به موسی و برادرش وحی کردیم که خانه هایی در سرزمین مصر برای قوم
خود فراهم آورید، و خانه هایتان را روبروی هم قرار دهید، و نماز را برپا دارید،
و مومنان را [به رهایی از چنگال فرعونیان] مژده ده.

(یونس / ۸۷)

و در سوره مریم حضرت عیسی فرموده است:

« وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا »*

و مرا تا زنده ام به نماز و زکات سفارش کرده است .

(مریم / ۳۱)

و در سوره انبیاء آمده است:

« وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ »*

ما وحی نمودیم به [ابراهیم و اسماعیل] و سایر انبیاء که کارهای خیر را بجا
آورید و نماز را به پا بدارید.

(انبیاء / ۷۳)

و در سورهٔ مریم در مورد اسماعیل آمده است:

«وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا»*

و در این کتاب، [سرگذشت] اسماعیل را یاد کن، که او وفا کننده به عهد و فرستاده ای پیامبر بود.

(مریم / ۵۴)

«وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ»*

و همواره خانواده اش را به نماز فرمان می داد.

(مریم / ۵۵)

پس از دیدگاه قرآن معلوم شد که در ادیان قبل از اسلام نماز سابقه داشته است.

لذا آنچه که مسلم است کمتر دینی می توان یافت که نماز نداشته باشند.

در آیین زرتشت روزی پنج بار در پنج وقت به نماز دستور داده شده ، و حتی روز آدینه هم نماز مخصوصی دارند!

نمازهای یومیه به ترتیب ذیل هستند:

۱- نماز گاه هاون (بامدادان، که وقت آن از برآمدن خورشید تا نیمروز)

۲- نماز گاه رَپْتَوَن (از نیمروز تا پسین)

۳- نماز گاه اُزیرَن (پسین تا فرو رفتن خورشید)

۴- نماز گاه سُرُوْثَرَم (فرو رفتن خورشید تا نیمه شب)

۵- نماز گاه اوشه‌ی نا ای (از نیمه شب تا بر آمدن آفتاب)

هر نماز با این زمزمه ها آغاز می شود:

به نام خداوند بخشنده مهربان

*خَشَنَ اُتْرَه، اهورَمَزدا = خشنود گردانم ، اهورا مزدا را

*فُرورانِ مَزْدَیسنو، زَرَتوشْتَریش، وی دای وُ، اهورَ تَکَ ایشُ = باور دارم به دین

مزدا پرستی که آورده زرتشت است. پیرو آموزش های اهورایی هستم که از

دیو (دروغ) و دوگانه پرستی به دور است. ۴.

پاورقی

۴- دیدی نو از دینی کهن، فلسفه زرتشت، دکتر فرهنگ مهر ، چاپ سوم

۱۳۷۸، نشر جامی ، تهران صص ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷

در دین یهود، روزی سه بار نماز آمده و نمازهای جماعت هم دارند!
نماز در لفظ عبری «تفیلا» نامیده می شود.

تفیلا به دو بخش کلی تفیلا عادی و تفیلا ویژه تقسیم می گردد.
تفیلا عادی در ایام هفته (شنبه شب الی بعد از ظهر جمعه) هر روز سه نوبت
خوانده می شود که به ترتیب عبارتند از:

۱- شحریت (صبح) ۲- مینحا (بعد از ظهر) ۳- عرویت (شامگاه)

نمازهای جماعتی در یهود با حضور حداقل ده نفر مرد بالغ (بالای ۱۳ سال)
برگزار می شود.

زمان مجاز برای خواندن تفیلا شحریت از حدود یک ساعت قبل از طلوع
آفتاب تا حدود چهار ساعت پس از آن است.

تفیلا مینحا، نیم ساعت پس از ظهر شرعی تا دقایقی پس از غروب آفتاب
خوانده می شود و خواندن تفیلا عرویت از غروب آفتاب تا قبل از سپیده دم
روز بعد است. ۵

پاورقی

۵- آشنایی با دین یهود، مهرداد ایزد پناه، چاپ اول ۱۳۸۲ تهران، انتشارات
محور، صص ۶۷ و ۶۸

درصائبین هم عبادت نماز وجود دارد.

پس در خواهیم یافت که نماز، عبادتی است مأنوس که پل ارتباطی بوده است بین انسانها با خالقشان که در طول تاریخ در ادیان و مکاتب مختلف با کیفیت و اشکال گوناگون وجود داشته و دارد!

پس چه نیک است که ما با پایبندی به این عبادت زیبا و عارفانه (نماز) تلاش کنیم این پل ارتباطی و نردبان صعود را هر چه بهتر حفظ نماییم و از این نردبان برای رسیدن به کمال و تقوا بالا برویم.

* معنا و مفهوم نماز *

نماز در لغت به معنای پرستش، نیاز، سجود، بندگی و اطاعت، خم شدن برای اظهار بندگی و اطاعت ۶

پاورقی

۶- فرهنگ عمید: ۱۳۵۴، ج ۲، واژه صلاة/ ۶۹۴

و یکی از فرایض دین و عبادت مخصوصی است که مسلمانان پنج نوبت در شبانه روز به جا می آورند.

نماز یعنی خدمت و بندگی، فرمان برداری، سر فرو آوردن و تعظیم کردن به نشانه احترام.

نماز، داروی نسیان و وسیله ذکر خداوند است.

نماز رابطه معنوی مخلوق با خالق است.

نماز یعنی دل کندن از مادیات و پرواز دادن روح، یعنی پا را فراتر از دیدنی ها و شنیدنی ها نهادن.

اهل لغت، صلوة را مشتق از تصلیه می دانند، به معنی مستقیم کردن چوبهای خمیده - (از طریق نزدیک کردن آنها به آتش و حرارت) است. ۷.

پاورقی

۷- المنجد: ۱۳۷۷، ج ۱، واژه صلاة / ۶۰۳

گویی نمازگزار با توجه به مبدأ هستی و با حرارتی که در اثر صعود به سوی شمس حقیقت معنوی کسب می کند، کژی های نفس را که در اثر توجه به غیر خدا ایجاد شده است تعدیل می نماید.

نماز سرود یکتا پرستی و زمزمه دلنشین فضیلت و پاکی و تمرین وظیفه شناسی و سپاس به درگاه احدیت است.

نمازهای پنجگانه همانند نهرهای آبی هستند که انسان روزانه پنج بار چرک و آلودگی جسم خود را در آن شسته و زنگار نیستی و هوی و هوس و سیاهی ترس ها و اضطراب ها را به وسیله آن از جان و دل می زداید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم به هنگام رسیدن وقت نماز می فرمود:

«بلال ما را با اعلام رسیدن وقت نماز آرام ساز» که «ألا بذكر الله تطمئن القلوب» (رعد / ۲۸)

آگاه باش که با یاد خدا دلها آرامش می یابد.

خداوند می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»
(بقره / ۱۵۳)

ای کسانی که ایمان آورده اید، از شکیبایی و نماز یاری بجوئید [که] بی تردید،
الله با شکیبایان است.

در زندگی بوعلی سینا هم می خوانیم که هرگاه برای حل یک مسأله دشوار خود را در بن بست می دید دو رکعت نماز می خواند و پس از آن مشکلش حل می شد.

نماز امری است الهی که تحقق آن همانند سایر امور، دارای ظاهر و باطن است که در متون دینی به هر دو جهت آن اشارت رفته است.

تصویر ظاهری نماز همان است که با اعمال مخصوصه انجام می گیرد و حفظ آن نیز فرض و واجب است اما روح و باطن نماز عبارت است از: اخلاص، حضور قلب، ذکر خداوند و تعظیم در مقابل او، امید و دل بستگی به ذات ربوبی، اعتماد به وجود سرمدی و محو شدن در مقابل ذات یکتایی که در مقابل عظمت و جلالت او قیام نموده است.

* فلسفه نماز از دیدگاه آیات قرآن *

۱- تجلی یاد خدا

قرآن یکی از اسرار نماز را یاد خدا می داند و می فرماید:

إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَأَعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي

(طه/۱۴)

بی تردید، منم «الله» که هیچ معبودی [به حق] جز من نیست؛ پس مرا عبادت کن و برای یاد من نماز برپا دار.

۲- بازداشتن از گناه و زشتی ها

* أَتَى مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ
وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ *

(عنکبوت/ ۴۵)

[ای پیامبر،] آنچه را از این کتاب بر تو وحی شده است تلاوت کن و نماز برپا دار. به راستی که نماز، انسان را از گناه و زشتکاری بازمی‌دارد؛ و البته یاد الله [از هر کاری] بالاتر است؛ و الله می‌داند که چه می‌کنید.

۳- پاکیزگی روح

* إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَمَنْ تَزَكَّى فَإِنَّمَا يَتَزَكَّى
لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ *

(فاطر/ ۱۸)

[ای پیامبر،] جز این نیست که تو فقط به کسانی هشدار می‌دهی که در نهان از [مجازات] پروردگارشان می‌ترسند و نماز برپا می‌دارند. هر کس [از گناهان] پاک شود، یقیناً تنها به سود خویش پاک گشته است و بازگشت [همه] به سوی الله است.

۴- یاری جستن از نماز در مسیر تکامل

وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ
(بقره/ ۴۵)

و از شکیبایی و نماز یاری جوئید؛ و به راستی که آن [= نماز] جز بر فروتنان، دشوار و گران است.

۵- مایه رستگاری است

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ

(مؤمنون / ۱)

به راستی که مؤمنان رستگار شدند؛

الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خُشِعُونَ

(مؤمنون / ۲)

همان کسانی که در نمازشان فروتن هستند؛

۶- مایه شادابی و نشاط است

چون نمازگزار به نماز می ایستد، باید با شادابی و نشاط نماز بگذارد.

اگر با کسالت به این عمل پردازد، مورد پذیرش پروردگار نخواهد بود.

بنابراین، هر چند نماز برای تقرّب به خدا و بندگی او ادا می شود، ولی از شرایط

آن نشاط و شادابی است و کسی که در پنج وقت نماز از کسالت و خمودگی

پرهیز کند، پرهیز از کسالت شیوه زندگی او می شود.

قرآن، منافقان را از آن رو که با کسالت نماز می خوانند، مذمت می کند و می

فرماید:

إِنَّ الْمُنْفِقِينَ يُخَدِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَدِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاءُونَ
النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا
(نساء/۱۴۲)

بی تردید، منافقان [با دروغگویی و تظاهرشان] با الله فریبکاری می کنند [و حال آنکه به سزای رفتارشان] الله فریب دهنده آنان است؛ و چون به نماز برخیزند، با سستی و کاهلی برمی خیزند [و] با مردم ریاکاری می کنند و الله را جز اندکی یاد نمی کنند.

۷- مایه انضباط و وقت شناسی

کسی که در پنج وقت خاص به نماز می ایستد و می کوشد تا در اول وقت نماز بگذارد، معمولاً در دیگر کارها نیز از نظم دقیق پیروی می کند.

قرآن در این باره می فرماید:

إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا
(نساء/۱۰۳)

بی تردید، نماز [فریضه‌ای است که] در اوقات معینی بر مؤمنان واجب شده است. تصریح به کلمه «موقوت» برای این است که هر فرض را باید در وقت مخصوص به خود خواند مگر در وقت ضرورت، آن هم به دستور شرع رعایت وقت مخصوص غیر ممکن یا دشوار باشد.

«فويلٌ للمصلين الذين هم عن صلواتهم ساهون»

(ماعون/۴، ۵)

پس وای بر نمازگزارانی که از نمازشان غافلند.

۸- نماز مایه پاکیزگی

نمازگزار باید در مواقع مشخص، همه بدن را بشوید و باید وضو بگیرد و نظافت بدن و مواضع وضو را از هر نظر مراعات کند.

اگر مستحبات وضو را از شستن دهان (مضمضه) و بینی (استنشاق) و نظافت لباس و سجده گاه و ... مراعات نماید، موجبات سلامت و پاکیزگی بدن را فراهم ساخته است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ
وَأَمْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى
أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا
صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ
وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

(مائده / ۶)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون به [قصد] نماز برخاستید، صورت و دست‌هایتان را تا آرنج بشوید و سرتان را مسح کنید و پاهایتان را تا دو قوزک [بشوید] و اگر جُنُب بودید، خود را [با غسل کردن] پاک سازید؛ و اگر بیمار یا مسافرید یا هر یک از شما از محل قضای حاجت آمده است یا با زنان آمیزش کرده‌اید و آب نمی‌یابید، با خاکی پاک تیمم کنید و از آن بر صورت و دست‌هایتان بکشید. الله نمی‌خواهد شما را به سختی بیندازد؛ بلکه می‌خواهد شما را پاک سازد و نعمت خویش را بر شما تمام کند؛ باشد که شکر به جای آورید.

گرچه پاکی و طهارت در نماز بیشتر ناظر به بعد روحی و معنوی انسان است همان گونه که پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«اگر در خانه یکی از شما نهری باشد و هر روز پنج بار خود را در آن بشوید آیا از آلودگی چیزی در بدن شما باقی می ماند؟

گفتند: نه!

فرمود: نماز مثل همان نهر جاری است «هرگاه شخص نماز می گزارد از گناه پاک می شود» ولی با توجه به آداب مقدماتی نماز مانند وضو و غسل و لزوم طهارت بدن و لباس، نمازگزار ناگزیر از نظافت و پاکیزگی ظاهر نیز برخوردار می شود که در سلامت و بهداشت او تأثیر بسیار دارد.

۹- تشویق به سخا و کرم

إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا
(معارج / ۱۹)

یقیناً انسان، کم طاق است [او حریص] آفریده شده است.

إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا
(معارج / ۲۰)

هر گاه بدی [او مصیبتی] به او رسد، بی تاب می کند،

وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا
(معارج / ۲۱)

و هر گاه خوبی به او رسد، بازدارنده [او بخیل] می گردد.

إِلَّا الْمُصَلِّينَ

(معارج / ۲۲)

مگر نمازگزاران؛

۱۰- پرورش تمرکز ذهن و قوای فکری

یکی از صفات نمازگزاران این است که دائم در نماز هستند، این دائم در نماز بودن به چه معناست؟

خداوند در سوره معارج می فرماید:

«الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ»

(معارج / ۲۳)

نمازگزارانی که همیشه نماز خود را به موقع می خوانند و بر آن مداومت و مواظبت دارند.

«دَائِمُونَ»:

جمع دائم، همیشه ماندگار.

مراد این نیست که نمازگزار همیشه در حال نماز باشد، بلکه منظور این است که در اوقات معین خود نماز را انجام دهد، و همیشه چنین بوده و دائماً مواظب و متوجه باشد که نماز او فوت نشود.

یکی از رباعیات خیام اشاره بر این مسئله دارد، آنجا که می گوید:

قرآن که بهین کلام خوانند ورا

گهگاه، نه بر دوام خوانند ورا

بر گرد پیاله آیتی هست مقیم

کاندر همه جا مدام خوانند ورا

این رباعی که بی تردید از خود خیام است، در دو مصرع پایان آن، حرفی است که جز خیام کسی آن را نگفته است.

این رباعی جنبهٔ دینی دارد.

خیام، قرآن را بهین کلام می خواند و چنین هم هست، چون قرآن کلام خداوند است و احسنُ الْقَصَصِ است:

«نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ»

ما بهترین داستان را با وحی کردن این قرآن بر تو می خوانیم.

(یوسف/۳)

یعنی بهترین کلام و بهترین نوع گفتن.

این که خیام می گوید:

«گه گاه نه بر دوام خوانند»، نکته لطیفی دارد.

نمی گوید که قرآن را گهگاه می خوانند بلکه بر دوام نخواندن را با گه گاه معنی کرده است؛

یعنی گاهی بر دوام می خوانند، گاهی بر دوام نمی خوانند.

این مطلب، اشاره به این آیه دارد :

«الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ»

آنان که همواره بر نمازشان مداوم و پایدارند.

(معارج / ۲۳)

قرآن از کسانی خبر می دهد که دائم نماز می خوانند.

به همین معنی اشاره دارد، آنچه بابا طاهر عریان گفته است:

خوشا آنانکه دائم در نمازند

معنی ظاهراً روشن است.

اما سؤالی که در اینجا مطرح می شود این است که:

آیا هیچ کس می تواند دائم نماز بخواند؟

پاسخ این است که ، نمی توان همیشه نماز خواند.

آیا به دلیل خستگی؟

نه!

در کنار « نماز »، چیزی به نام « غیر نماز » هم وجود دارد.

بله، نماز نمی تواند دائم باشد.

هم چنین ، قرآن نیز نمی تواند دائم باشد برای اینکه همه ُ فقهاء گفته اند نماز اولش تکبیر است و پایانش سلام دادن:

« اولها التکبیر و آخرها التسلیم »

نماز با سلام ختم می شود و اگر سلام نگوئیم، نماز باطل است.

با سلام نماز ختم می شود و تا نمازی دیگر شروع شود، فاصله ای میان دو نماز ایجاد می شود و لو یک آن و همین، دوام را به هم می زند.

شما در خواندن قرآن کریم، نیاز به نفس کشیدن دارید و آن نیاز به قطع و وصل دارد؛

یعنی دم و بازدم .

که در دم می خوانیم و در بازدم صدا قطع می شود.

در اینجا دوام عرفی هست، ولی دوام حقیقی نیست.

قرآن به دوام حقیقی اشاره دارد.

این دوام ممکن نیست، مگر در یک جا:

بر گرد پیاله آیتی هست مقیم

کندر همه جا مدام خوانند ورا

مقام مقام ذکر است و آگاهی از حق.

ذکر، لفظ نیست، لفظ، ظهور ذکر است، ولی خود ذکر، توجه و آگاهی است.

اگر انسان به مقام آگاهی برسد، آگاهی منقطع نیست.

کسانی که در آگاهی هستند، در نماز دائم به سر می برند، حتی اگر زبان شان به ذکر نگردد.

کسی که به آگاهی توحیدی برسد، او دائم در نماز است و دائم در توجه به حق به سر می برد.

آگاهی به حق، قطع نمی شود.

چه هنری در اینجا خيام به کار برده است:

بر گرد پیاله آیتی هست مقیم.

آیت نشانه است.

این هم که می گویند آیات قرآن، نکتهٔ مهمی است .

آیت، فقط نشانه و علامت نیست.

آیت، توجه است.

پیاله هم چیزی است که مستی معنوی ارزانی می دارد و به دو قوس صعود و نزول اشاره دارد.

پیاله گرد است و مدور، و دارای قوس است.

ما دو قوس صعود و نزول را در می نوردیم.

حضرت ختمی مرتبت، قوس صعود را پشت سر نهاده است

:

«فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ»

پس [فاصله اش با پیامبر] به اندازه فاصله دو کمان گشت یا نزدیک تر شد.

(نجم/۹)

این حالت را می توان به پیاله تطبیق کرد که در نوردیدن قوس نزول و صعود هستی است.

اگر کسی در این مرتبه مقیم شود، قرآن او مدام خواهد بود و مدام قرآن خواهد خواند.

پس آنان که بر نماز خویش مواظبت و مداومت دارند ایشان در باغهای بهشت گرامی هستند و خداوند آنان را به مقام محمود خواهد رساند.

أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَىٰ عَسْقِ اللَّيْلِ وَقُرْءَانَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْءَانَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا

(اسراء/ ۷۸)

نماز را از زوال خورشید [= هنگام ظهر] تا نهایت تاریکی شب [= نیمه شب] برپا دار و [به ویژه] نماز صبح را. به راستی که نماز صبح [و تلاوت قرآن در این وقت،] مورد مشاهده [و در حضور فرشتگان روز و شب] است.

وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَن يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا
(اسراء/ ۷۹)

و [ای پیامبر،] پاسی از شب را [از خواب] برخیز و نماز بگزار. قطعاً [این نماز شب،] برای افزونی مقام و مرتبه توست [تا درجاتت را برتری بخشد]. امید است پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش [همگان] برانگیزد! [= مقام شفاعت کبری را به تو عطا فرماید].

آیاتی دیگر از قرآن راجع به اهمیت نماز

۱- رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ
(ابراهیم / ۴۰)

پروردگارا، مرا برپادارنده نماز قرار بده و از فرزندانم [نیز چنین کن]. پروردگارا، دعایم را بپذیر.

من و نسل من را ز روی نیاز

بگردان زخوانندگان نماز

دعاهای ما را اجابت نما

تو ای کردگار، ای یگانه خدا

۲- وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ
(نور / ۵۶)

و نماز برپا دارید و زکات پردازید و از پیامبر اطاعت کنید؛ باشد که مورد رحمت قرار گیرید.

* بخوانید ای قوم مؤمن صلات *

* ببخشید بر بینوایان زکات *

* اطاعت نمایید از مصطفی *

* که یابید رحمت زیکتا خدا *

۳- إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي
(طه / ۱۴)

بی تردید، منم «الله» که هیچ معبودی [به حق] جز من نیست؛ پس مرا عبادت کن و برای یاد من نماز برپا دار.

* که در ملک هستی منم کردگار *

* بجز من نبودست پروردگار *

* مرا کن پرستش به راز و نیاز *

* به پا دار اینک زبهرم نماز *

۴- أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرِ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ

(عنكبوت / ۴۵)

نماز برپا دار. به راستی که نماز، انسان را از گناه و زشتکاری بازمی‌دارد؛ و البته یاد الله [از هر کاری] بالاتر است؛ و الله می‌داند که چه می‌کنید.

به درگاه یزدان خود خوان نماز

که دارد زفحشا و از زشت باز

همانا که ذکر یگانه خدا

بود بهتر از حدِ فکر شما

که همواره آگه بود کردگار

به هر چه نمایید در فعل و کار

۵- وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعِيقَابُ لِلتَّقْوَى

(طه / ۱۳۲)

و خانواده‌ات را به نماز فرمان بده و [خود] بر [انجام] آن شکیبا باش. [اما] از تو روزی نمی‌خواهیم، [بلکه] خود به تو روزی می‌دهیم؛ و سرانجام نیک، برای [اهل] پرهیز است.

بر اهل سرایت به ذکر و نیاز

بکن امر، سازند بر پا نماز

در این کار همواره باشی صبور

که الطاف یابی ز رب غفور

زتو روزی کس، نگردد طلب

که رزق را نیز بخشیده رب

که بر اهل تقواست، نیک عاقبت

بیابند خوشبختی و عافیت

۶- وَأَقِمْوْا الصَّلٰوةَ وَءَاتُوا الزَّكٰوةَ وَارْكَعُوْا مَعَ الرَّٰكِعِيْنَ

(بقره/۴۳)

و نماز برپا دارید و زکات پردازید و با نمازگزاران نماز بخوانید.

بخوانید در هر زمانی صلات

بخشید بر بینوایان زکات

به همراه مردان ایزد شناس

بدارید حق را ثنا و سپاس

۷- يُبَيِّنِي أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَيَّ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ
(لقمان / ۱۷)

پسرم، نماز برپا دار و [مردم را] به نیکی فرمان بده و از کار ناپسند بازدار و بر آنچه [که از سختی‌های این کار] به تو می‌رسد، شکیبا باش. بی‌تردید، این از [جمله کارهایی است که نیازمند اراده قوی و] عزم استوار است.

* تو را ای پسر، حق نمازی نوشت *

* بکن امر معروف و هم نهی زشت *

* چو آزار بینی صبوری نما *

* که این هست کاری مهم و سزا *

۸- رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ
يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ
(نور / ۳۷)

مردانی که هیچ تجارت و خرید و فروشی آنان را از یاد الله و برپا داشتن نماز و پرداخت زکات غافل نمی‌کند [و] از روزی که دل‌ها و چشم‌ها در آن دگرگون می‌شود بیم دارند.

* به کسب و تجارت گروهی رجال *

* نگشتند غافل ز رب جلال *

بخوانند با شوق و رغبت نماز

زکاتی بداده بر اهل نیاز

از آن سخت روزند در اضطراب

که باشد دل و دیده از آن به تاب

۹- إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَءَاتَوْا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ
عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

(بقره/۲۷۷)

کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند و نماز برپا داشته‌اند و زکات پرداخته‌اند، پاداش آنان نزد پروردگارشان [محفوظ] است؛ نه ترسی خواهند داشت و نه اندوهگین می‌شوند.

کسانی که هستند مؤمن به رب

نمایند کار نیکو در طلب

به رغبت بدارند بر پا صلات

ببخشید بر بینوایان زکات

بر آن‌ها بود پیش پروردگار

بسی اجر نیکو زشایسته کار

ندارند ترسی خود از سرگذشت

نباشند ناراحت از آنچه گشت

۱۰- وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهَبْنَ أَلْسِيَّاتٍ ذَلِكَ
ذِكْرِي لِلذَّكِّرِينَ
(هود/ ۱۱۴)

و در دو طرف روز [= آغاز و پایان روز] و ساعاتی از شب، نماز بگزار. بی تردید،
نیکی‌ها بدی‌ها را از بین می‌برد. این [سخن]، پندی است برای پندپذیران.

* در آغاز و پایان هر روز، باز *

* بخوانید ای اهل ایمان نماز *

* دگر آن زمانی که شد تیره شب *

* نمازی بخوانید بر امر رب *

* که پوشانده گردد عمل‌های سست *

* به اعمال نیک و صلاح و درست *

* که این است اندرز بر اهل ذکر *

* بر آن‌ها که دارند عقلی و فکر *

۱۱- أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَىٰ عَسْقِ اللَّيْلِ وَقُرْءَانَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْءَانَ الْفَجْرِ
كَانَ مَشْهُودًا
(اسراء/ ۷۸)

نماز را از زوال خورشید [= هنگام ظهر] تا نهایت تاریکی شب [= نیمه شب] برپا دار و [به ویژه] نماز صبح را. به راستی که نماز صبح [و تلاوت قرآن در این وقت،] مورد مشاهده [و در حضور فرشتگان روز و شب] است.

چو خورشید آید، فرو ز آسمان

سیاهی شب آید اندر میان

در آن فاصله هست وقت نماز

تو می گرد مشغول ذکر و نیاز

به هر صبح می خوان همیشه نماز

که بر خویش سازی در لطف، باز

که هر چه فرشته بود روز و شب

نمازت ببینند اندر طلب

۱۲ - وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ

(بقره/۴۵)

و از شکیبایی و نماز یاری جوئید؛ و به راستی که آن [= نماز] جز بر فروتنان، دشوار و گران است.

همانا از آن ایزد بی نیاز

بجوئید یاری به صبر و نماز

* که کاریست دشوار، جز بر کسی *

* که همواره ترسد از ایزد بسی *

* فلسفه نماز در اسلام *

بحث در باره ی فلسفه و حکمت نماز، در واقع آشنایی با اسرار و رموزی است که در این عمل عبادی نهفته است این نکته برای ما بسیار روشن است که هرگز خداوند متعال هیچ دستوری را بدون حکمت و علت بر بندگانش واجب نمی سازد.

واژ سوی دیگر عبادت، وسیله تکامل و سعادت ماست و دستور خداوند به نماز، نوعی لطف و رحمت و راهنمایی است که ما را به کمال مطلوب می رساند؛ مثلاً وقتی پدر و مادر، فرزندشان را به درس خواندن امر می کنند، به سود خود فرزند است و سعادت او را می خواهند و این امر از روی محبت به فرزند است و گرنه به درس خواندن او نیازی ندارند.

و از طرف دیگر می دانیم که تمام پدیده های نظام هستی معلول و مخلوق ذات حق بوده و منشأ آفرینش آنها خالق قادری است که هستی از او نشأت گرفته است.

همه موجودات از جمله انسان از فیض حق وجود یافته اند.

و نه تنها در مقام حدوث بلکه در مقام بقاء نیازمند و محتاج او هستند.

یعنی خداوند نه تنها نعمت وجود را به موجودات اعطا نموده است بلکه ربوبیت و سرپرستی آنها را نیز عهده دار است.

پس خدا هم خالق است و هم ربّ، و همه موجودات به خالقیت و ربوبیت او اعتراف دارند.

و انسان که اشرف مخلوقات است بر اساس فطرت خویش به ربّانیت او مقرر و معترف است و هر گونه شرک را از او نفی می کند و لازم است که فقر خویش و غنای خالق، کوچکی خود و عظمت ربّ را اظهار نماید و رمز نماز در همین است که بنده اظهار عبودیت و بندگی نماید.

از آن جهت که آدمی مرکب از عقل و شهوت است و نیز در فرمان برداری او هیچ گونه جبری وجود ندارد بلکه با اختیار زندگی می کند. قطعاً دارای معاصی و گناهانی هم هست، و پنج بار ایستادن در مقابل خداوند در شبانه روز در حال نماز، به معنای اعتراف به گناه و درخواست آمرزش گناهان و طلب مغفرت در مقام عمل است.

و چون هوای نفس هر لحظه او را به غفلت و سرکشی سوق می دهد و به غرور و خودخواهی دعوت می کند و به افزون طلبی و تمامیت خواهی فرا می خواند باید در مقابل آن، عاملی باشد بسیار قوی و نیرومند که جلوی این رذایل را سد نموده و او را به سمت عزّت و عظمت انسانی سوق دهد که آن نماز است چون نماز تنها عنصر بازدارنده از رذایل اخلاقی است همانگونه که خدای متعال در قرآن مجید می فرماید:

«ان الصلوة تنهى عن الفحشا والمنكر و لذكر الله اكبر»

(عنكبوت / ۴۵)

نماز انسان را از کارزشت وناپسند باز می دارد، قطعاً یاد خدا بالاتر است.

و چون در سرشت انسان فراموشی و نسیان وجود دارد و هر لحظه بیم آن می رود که انسان خود و آفریدگارش را به فراموشی سپرده و طغیان و سرکشی را پیشه خود سازد و عمری را در پستی و حیوانیت سپری نماید، نماز او را متذکر می شود تا بر اثر غفلت و فراموشی دچار خطا و اشتباه نگردد.

و بالاخره فلسفه نماز، حضور در پیشگاه ربوبی است و اظهار بندگی و عبودیت و اقرار به ربوبیت پروردگار و جاودانگی بر آن ذاتی است که موجب می شود بنده در پی اصلاح و سعادت خویش برآید و به کمال انسانی خویش دست یابد.

نماز و سایر عبادات بدون هر گونه شائبه و آلایش فقط به منظور

اطاعت امر خداوند جل جلاله و خالصاً لوجه الله (برای خدا) باید باشد.

شیخ اجل سعدی رحمه الله علیه می فرماید:

چون بنده خدای خویش خواند

باید که بجز خدا نداند

نماز در آدمی اعتقاد و فرمان برداری و منقاد بودن برای اوامر خدا و صبر در مصائب را اگر چه با انگیزه هایش مخالف باشد به وجود می آورد و این راه را

برای انسان باز می گذارد که هر چه میخواهد از پروردگارش مسئلت نماید و به این وسیله به کشش های درون خود پاسخ گوید.

نماز نهال امید و عدم یأس را در دل نماز گزار می نشاند و او را متوجه به نیروی اعظم خدائی می سازد و به آن دعوت می نماید.

واضح است کسی که بر خالق خود اعتماد دارد یأس و نومیدی را به قلب خود راه نمی دهد و چنان قدرت و نیروئی در خود می بیند که می تواند با هر مشکلی مبارزه و مقابله نماید، پس نتیجه می گیریم که اتصال و علاقه ی روحی انسان با پروردگارش اگر چه چند لحظه در روز باشد از ضروریات و به خاطر همین است که خدا نماز را در اسلام تشریح فرموده و در آیات متعدد به آن فرمان داده است.

گرایش به سوی خداوند، گرایش به پرستش او و نیایش با او، گرایش به نیکویی و کمال و گرایش به زیبایی در عمق جان انسان و آمیخته با فطرت اوست.

بدیع الزمان سعید نوری مقایسه جالبی از اوقات نماز با مراحل زندگی انسان ارائه می نماید.

وقت نماز ظهر، درست قبل از نیمروز :

این میانه تابستان و اوائل جوانی و دوره خلقت انسان در عمر جهان و مظاهر رحمت و نعمتهای فراوان را به یاد انسان می آورد.

فجر دوران کودکی است؛ ظهر جوانی، و عصر مانند پاییز و پیری است، و مغرب با مرگ مرتبط است و عشاء روز داوری است.

نورسی معانی نمادین اوقات مختلف نماز را تشریح می کند.

ظهر در زمانی واقع می شود که جزیی از روز گذشته، اما هنوز بیشتر آن باقی مانده است، و بنابر این در قیاسی صحیح به جوانی تشبیه می شود.

الگوی روز برقرار می گردد، با این همه مقداری از تازگی آن هنوز باقی است، و ماهیت دقیق آنچه باید در پی آید نامعین باقی می ماند. ۸

کار نورسی به خصوص با جوانان همخوانی خوبی دارد، زیرا به شکلی آرمانی مخاطبانی را مورد توجه قرار می دهد که تا حدودی تجربه دارند، اما تجربه زیادی هنوز در راه است، مخاطبانی که هنوز استعداد تغییر دارند، ضمن آنکه از تجربه کافی برای درک ضرورت تغییر برخوردارند.

پاورقی

۸- دانشنامه قرآن کریم، اولیور لیمن، ترجمه محمد حسین وقار، انتشارات اطلاعات، چاپ دوم ۱۳۹۳، تهران

صورت نماز الفاظ و حرکات است و عمق آن گفتگو و پیوند انسان با خداوند.
از این رو هر حرکت و هر لفظ در نماز نشانه ای است از حقیقت نماز و پنجره
ای است به سوی باغ نور نماز.

مولوی تعبیری دارد یا تأویلی از حرکات نماز.

تأویل او نمونه ای است که چگونه هر حرکت نشانه ای است از گفتگوی انسان
با خداوند، پیوند خالق با مخلوق، در قیام، رکوع و سجود.

نماز گزار نخست ایستاده است مثل سرو، سپس قامت خم می کند و تا می
شود پس از آن قامت راست می کند و بر خاک می افتد مثل حلقه.

مولوی می گوید این حلقه جان انسان است برای دق الباب هستی کوبیدن
حلقه جان بر دروازه ٔ حق.

مثل کسی که با تیشه خاکها را می کند و به کناری می افکند تا به آب برسد.
این تلاش و کوشش انسان نیز همانگونه است می خواهد خاک هستی خود را
بر باد دهد تا به ریشه حقیقت هستی برسد به آب که ، و من الماء کل شیء
حی.

همچو چه کن خاک می گن گر کسی

زین تن خاکی که در آبی رسی

گر رسد جذبه خود آب معین

چاه ناکنده بجوشد از زمین
گفت پیغمبر رکوعست و سجود
بر در حق کوفتن حلقه وجود
حلقه آن در هر آن کومی زند
بهر او دولت سری بیرون کند۹

پاورقی

۹- مثنوی ، دفتر پنجم، بیت های ۲۰۴۵ و ۲۰۴۶ و ۲۰۴۹ و ۲۰۵۰

مثل «روزن» که روشنایی آفتاب از آن می تابد و خانه را روشن می کند.
نماز روزنه ای به سوی خداوند که «نور السموات والارض» روشنایی آسمانها و
زمین است گشوده می شود.

همین توجه و همین بارقه راهیابی از صورت نماز به حقیقت آن است.

خوی دارم در نماز آن التفات

معنی قره عینی فی الصلات

روزن جانم گشادست از صفا

می رسد بی واسطه نامه خدا

نامه و باران نور از روزنم

می فتد در خانه ام از معدنم

دوزخست آن خانه کان بی روزنست

اصل دین ای بنده روزن کردنست ۱۰

پاورقی

۱۰- مثنوی، دفتر سوم، بیت ۲۴۰۱ تا ۲۴۰۵

درست مثل خانه ای که نور در درون آن نمی تابد.

زندگی از آن خانه رخت بر می بندد و ویرانه می شود. حتی جغدی هم بر آن فضای پر خفقان نمی خواند.

دیواری و سقفی کوتاه، تمام تاریکی.

نماز رشته ای از نور است که چنین خانه ای را آبادان می کند.

این که به نماز «عمود دین» گفته شده است از این روست که تا روشنایی و راهی نباشد رونده نمی تواند از گل‌های باغ معارف و مکارم دین بهره گیرد.

از این رو در معارف اسلامی بیش از هر موضوعی از نماز صحبت شده است.

نماز توجه قلب انسان به خداوند است اینکه در نماز و برای دست یافتن به حقیقت نماز بر حضور قلب تأکید شده است. از این روست که بدون توجه قلبی، انسان در صورت نماز می ماند و به عکس توجه قلبی گاه نقص‌های ظاهری ناگزیر را به آسانی می پوشاند.

توجه قلبی به خداوند، و با حضور قلب همان زنده شدن یاد خداوند در دل انسان است.

همانگونه که یک قلب زنده و پر طپش خون تازه و گرم را به تمامی اندام می رساند، یاد خداوند، قلب نماز است که به تمامی اندام نماز، به تمامی الفاظ و حرکات نماز، زندگی و معنی می دهد.

مثل جریان برق که خانه را روشن می کند. در تمامی چراغ ها راه می یابد و
روشنایی می درخشد.

اگر این جریان روشنایی در پیکره چراغ ها با چلچراغ ها راه نیابد، آیا می توان
در پناه صورت چراغ نشست و از آن بهره ای گرفت؟

وقتی یاد خداوند در دل انسان زنده شد ، انسان با طبیعت و هستی احساس
آشنایی می کند، زبان پدیده ها را می فهمد، می بیند همه هستی در مدار
عبودیت و سجده بر خداوندند.

آهنگ حیات در تمامی پدیده های هستی ، همان آهنگ سجده بر خداوندست!
کار نماز همین است که انسان را در مدار ازلیت و ابدیت قرار دهد انسان را
آشنای هستی کند پلی بین ستاره های درخشان درون جان و ستاره های
آسمان برقرار کند.

نماز به انسان دیده ای می دهد که سبب ها را به کناری می افکند و می بیند
که تمام پدیده های هستی سر بر آستان عبودیت خدای یگانه نهاده اند.
بلوغ آزادی در عبودیت اوست. قامتی که در برابر او خم می شود، می تواند
مثل سرو بایستد و همواره سبز و پایدار بماند.

نماز گزار به نقطه ای و قله ای می رسد که تنها و تنها خدا را می خواند و
خداوند نیز او را می خواند:

عجبا! نماز مستان تو بگو درست هست آن؟

که نداند او زمانی، نشناسد او مکانی
عجبا دو رکعتست این! عجبا که هشتمین است!
عجبا چه سوره خواندم؟ چو نداشتم زبانی
دَرِ حق چگونه کوبم که نه دست ماند و نه دل
دل و دست چون تو بردی بده ای خدا امانی
به خدا خبر ندارم چو نماز می گزارم
که تمام شد رکوعی، که امام شد فلانی
چو شهست سایه بانم، چو روان شود روانم
چو نشیند او نشستم به کرانه دکانی
چو مرا نماند مایه، منم و حدیث سایه
چکند دهان سایه؟ تبعیت دهانی ۱۱

پاورقی

۱۱- کلیات شمس، تصحیح فروزانفر، ج ۶، صص ۱۲۹-۱۳۰

نماز گزار مثل سایه است و نماز مثل آفتاب که قائم بر او می تابد.

نماز گزار در سر بر آستانه خداوند نهادن بزرگی و غنای خداوند را می بیند و کوچکی و فقر خود را، برای اینکه اعلام کند در برابر دریای بی پایان، دریای بی ساحل و بی عمق هستی که جلوه ای از خداوند است او هیچ نیست.

او حتی این مجال و امکان و ظرفیت را ندارد که بتواند به کمال ذره ای راه یابد. در پایان امیدوارم نمازها و عبادات همه ما مورد قبول درگاه احدیت قرار گیرد و همواره سعی نماییم عباداتمان را بر پایه ی تقوا بنا نهیم.

آمین یا رب العالمین

رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

«پروردگارا، [اعمال نیک ما] از ما بپذیر که بی تردید، تو شنوای دانایی

ومن الله توفيق

سید محمد هاشمی

منابع

- ۱- قرآن
- ۲- کتاب مقدس، عهد قدیم، عهد جدید، انتشارات انجمن کتاب مقدس ایران، چاپ رضوان، شهریور ۱۳۶۲
- ۳- صحیح مسلم بشرح النووی، دارالکتاب العربی، بیروت، لبنان ۱۴۰۷ هـ / ۱۹۸۷ م
- ۴- دانشنامه قرآن کریم، زیر نظر اولیور لیمن، ترجمه محمد حسین وقار، چاپ دوم، اطلاعات ۱۳۹۳ تهران
- ۵- عبادت در اسلام، دکتر یوسف قرضاوی، مترجم محمد ستاری خرقانی، نشر احسان ۱۳۶۹ تهران
- ۶- فلسفه ارکان و شرایط نماز و روزه و زکات، سید محمد شیخ الاسلام، انتشارات کردستان، چاپ دوم ۱۳۸۳
- ۷- گوهر نماز و نیایش، سید عطاءالله مهاجرانی، انتشارات اطلاعات، چاپ اول ۱۳۸۲ تهران
- ۸- آشنایی با دین یهود، مهرداد ایزد پناه، انتشارات محور، چاپ اول ۱۳۸۲ تهران

۹- دیدی نواز دینی کهن، دکتر فرهنگ مهر، انتشارات جامی، چاپ دیبا، چاپ سوم ۱۳۷۸ تهران

۱۰- متن کامل شاهنامه فردوسی بر اساس نسخه مسکو، ابوالقاسم فردوسی، نشر کاریز، چاپ اول ۱۳۹۶ قم

۱۱- کلیات دیوان شمس تبریزی، مولانا جلال الدین محمد مولوی، مطابق نسخه تصحیح شده استاد بدیع الزمان فروزانفر، انتشارات نگاه، چاپ اول ۱۳۷۵

۱۲- گلستان و بوستان سعدی، از روی نسخه محمد علی فروغی، به کوشش محمد صدر، نشر نامک، چاپ اول زمستان ۱۳۷۴ تهران

۱۳- برهان قاطع، محمد حسین خلف تبریزی، به اهتمام دکتر محمد معین، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷ تهران